المدخل

لازار

حبیب اللهی

کتاب المدخل الی علم احکام النجوم.رساله‏ای است در ستاره‏شناسی ابتدائی از ابو نصر قمی‏ و مشتمل بر جداول و آلات نجوم‏1.این نسخه دارای دو تحریر است یکی عربی و دیگری‏ فارسی مؤلف در طول کتاب بعنوان مختصات جغرافیائی از عرض و طول جغرافیائی شهر قم صحبت‏ میکند2او سال‏3363 یزدگردی را(که بطور تقریبی این تاریخ با 356 هجری و 967 میلادی تطبیق میکند)بعنوان اولین سال دوره اقتران کواکب میخواند.این تاریخ قاعدتا باید شروع آن دوره‏ای باشد که مؤلف مشغول تدوین این کتاب بوده است بنابراین تاریخ تألیف‏ این کتاب کمی پس از تاریخ 356 هجری بوده است،بدین مطلب در دو نوبت در این کتاب‏ اشاره شده است‏4.در اطلاعات ستاره‏شناسی مربوط به سال 344 یزدگردی طریقه تدوین‏ تقویم‏ها را شرح میدهد.

مؤلف کتاب مثالی در این مورد از ابتدای ماه فروردین 345 یزدگردی‏5بدست‏ میدهد میتوان فرض کرد که او چنانکه طبیعی است بعنوان نمونه تقویم ابتدای سال آینده را انتخاب کرده باشد.

(1)رجوع کنید به. Brockelmann,Gwschl 223 Suppl l,398strey ll40,etl,etude de S.H.T.agiZadeh رجوع شود به مقاله‏ تقی‏زاده در مجله کاوه اولین سال no 7(ژوئیه 1920)ص 06 شهمردان ابن ابی الخیر در روضة المنجمین(تحت شماره 35 ص 103)کتاب المدخل را در بین آثاری که نام برده است میآورد.

(2). ms.Paris 22 a.Vers.Pers.Ms.Berlin 252

(3). Ms.Paris 13 db.Vcrs.Pers.389.

(3). Ms.Paris 3 db,36a.Vers.Pers.268,27.

(5). Ms.Paris 62 b.Vess.Pers.304

تمام اینها بماچنین اجازه‏ای میدهد که تاریخ 344 یزدگردی را(97506 ر 36405)تاریخ‏ تألیف کتاب المدخل بدانیم‏6تحریر فارسی این کتاب جز در یک نسخه که در کتابخانه دولتی‏ برلین‏7وجود دارد در جای دیگر دیده نشد.این تحریر فارسی بسیار نزدیک به نسخه‏ای است‏ که بعربی تألیف شده است‏8هردو متن باهم تطبیق میکنند مخصوصا از جهت تعیین اماکن و هم‏ از جهت تعیین تاریخ همان مطلبی که قبلا بدان اشاره رفت.

هیچیک از این دو نسخه بعنوان ترجمه از دیگری گرفته نشده است.اما حدس‏های قریب‏ به یقین که از وضعیت زبانی قرن چهارم در ایران‏9حکایت میکند و همچنین فراوانی نسبی‏ نسخی که تحریر عربی این کتاب را نشان میدهند،تحریری که میشود آنرا با تنها تحریر فارسی این کتاب مقابله و مقایسه کرد این اندیشه را بخاطر میآورد که نسخه دومی ترجمه از اولی است.در تأیید این مطلب میتوان به این نیز اشاره کرد که در تحریر فارسی نه اشاره‏ای‏ به وقف یا اهدای کتاب شده است و نه مقدمه‏ی دیگری بجز این تذکار دارد.«این کتابی است در نجوم که بوسیله حسن ابن علی معروف به ابو نصر منجم قم نوشته شده است.»10

(6)حاجی خلیفه تاریخ 357 هجری را به کتاب المدخل نسبت میدهد و این تاریخ‏ گذاری ناشی از اشاره‏ای است که ابو نصر قمی راجع به سال 336 یزدگردی میکند(که این تاریخ‏ با تاریخ 357 ر 356 هجری تطبیق میکند):یک خواننده کم‏دقت بدون اینکه متوجه شود که این‏ تاریخ عبارت از شروع عهد اقتران است نتیجه خواهد گرفت که این تاریخ زمان تألیف‏ کتاب را تعیین میکند.

 (8)برطبق نسخه پاریس.

(9)هرچند که در این مورد شواهدی موجود باشد ولی از روی حقیقت مدت زمانی بعد کتاب علمی که ابتدا بفارسی نوشته شده باشد و بعد بعربی ترجمه شده باشد کتابی است در علم حساب‏ که در آغاز قرن پنجم تألیف شده است برای یکی از بزرگان دولت آل بویه عنوان کتاب المغنی‏ فی الحساب الهندسی است و مؤلف آن علی ابن احمد نوی.

( V,Brochelmann,Suppl.1390 )

(10)تحریر عربی نسخه پاریس شامل یک مقدمه‏ی مشروحی است با اهدای کتاب به‏ امیر فخر الدوله شهنشاه یعنی شاهزاده بویه‏ای که در ری از 366-369 هجری تا 387- 373 سلطنت کرد.اما نسخه بودلین از این کتاب به شخصی باسم شیخ ابو عمر و محمد بن‏ سعید بن مرزبان اهدا شده است.

این ترجمه مطمئنا بسیار قدیمی است زیرا زبان تحریر کاملا قدیمی است‏11.اگر این ترجمه هم‏عصر با تحریر اصلی عربی آن نباشد از جهت تاریخی زمان زیادی با آن فاصله‏ ندارد و میتوان این ترجمه را به قرن پنجم نسبت داد.

نسخی خطی این کتاب چندان قدیمی نیست این نسخه در سال 1403 ر 808 بتوسط کاتبی که‏ لقب یزدی داشته است نوشته شده.این نسخه بطورکلی با وجود بعضی از نقائصی که دارد نسخه‏ای‏ است مفتح.املاء آن با خط نسخ خوانا و روشن و تمیزی نوشته شده است.اما املاء قدیمی‏ نسخه‏12با وجودی که تاریخ نوشتن آن نسخه قدیمی نیست نشان میدهد که این نخسه از روی نسخه قدیم‏تری نوشته شده است که هرگز انتشار زیادی پیدا نکرده است.روی هم رفته این‏ متن بنظر نمیآید که نوکاری شده باشد و میتوان حدس زد که زبان اصلی متن قدیم در این متن کاملا حفظ شده است.

تعلیمات زبانشناسی که میتوان از این رساله کوچک دریافت از یک طرف مربوط است به لغات فنی‏ مربوط به نجوم و این اطلاعات نشان میدهند که نویسنده اصولا عرب بوده است و حتی اصطلاحاتی که از نجوم سنتی ایرانیان بدست داده شده است تحت شکل عربی باین نویسنده رسیده است‏13از طرفی دیگر و مخصوصا این کتاب مقداری اشکال لهجه‏ای در دسترس ما قرار میدهد که فوق العاده‏ آموزنده هستند این اصطلاحات باین جهت بیشتر جالب توجه هستند که متون فارسی قدیمی‏ ایران غربی و مرکزی کمیاب دارند درحالی‏که این اصطلاحات ما را بیشتر بطرف این نواحی یعنی‏ غرب و مرکز ایران رهبری میکنند تا آن مرکزی که این متن در آنجا نوشته شده است.

ابو نصر اهل قم بوده است و میتوان فرض کرد که اثر او مخصوصا در ناحیه خودش معروف‏ شده است و هم در این ناحیه بوده است که این کتاب از عربی بفارسی ترجمه شده است و با فرض‏ این مطلب که بعضی از اصطلاحات را نمیتوان به تنظیم‏کننده کتاب نسبت داد بلکه از کاتب کتاب‏ هستند و این کاتب اهل یزد بوده است و از ایران مرکزی برخاسته است بنابراین مبهم بودن‏ بعضی از این اصطلاحات از جهت نسبت آنها بنویسنده کتاب چندان مهم نیست.

(11)-مثال:اندر-همی-ابر-اما(یعنی ما)-به...اندر-از بهر...

(12)-دنقطه‏دارو نه دالی که بین دو مصوت جای دارد.

(13)-مثال:فور ماهی(ماه تمام)

(14).واید بجای باید-ویشتر بجای بیشتر-باهو بجای بازو-مانگ یعنی ماه- هاوهو بمعنی فراوفرو.